

مردی با چشمان حادثه ساز – قسمت هشتم

فاجعه جنون آمیز



محمد بلوری

روزنامه نگار

آن روز دکتر صادقی پس از معاینه بیماران و نوشتن نسخه‌هایی کیف چرمی کهنه‌اش را برداشت و همراه زن راه افتاد. گذشتن از میان جمع مردم، چندان دردسر ساز نبود. دکتر با بیان آنچه در گورستان برای زن همراهش اتفاق افتاده بود، توانست خشم و خروش آنها را فرو بنشانند و پراکنده‌شان کند. بانو آیانمی توانستی

پسرت را به درمناگاه بیاری؟ با دقت بیشتری می‌شد معاینه‌اش کرد. زن در جواب این پرسش دکتر صادقی گفت:

– نه آقای دکتر، گاهی جنون به‌سرش می‌زنه به آدم حمله می‌کنه. آشنا و غریبه‌منی شناسه!

چند سالش هشت خانم؟

– ۲۰ ساله است.

چند وقت است که این‌طور شده؟

– ۱۰روز پیش بود. آن روز وقتی به‌خانه رسید دیدم رنگ به صورتش نیست. گفت در حاشیه جنگل دو سه سگ ولگرد به‌طرفش حمله کردند و یکی از سگ‌ها پرید روی سرش و دستش را گاز گرفت. جای دندان‌های سگ روی بازویش بود.

آه... سگ؟ نکنه هار بوده؟ در این مدت ۱۰ روز حالش چطور بوده؟

در چشم‌های زن سایه نگرانی اندوهباری نشست.

چند روزی می‌دیدم سر میان خیمه دو نوازش گذاشته و انگار به گل قالی زل زده. بعد از سردرد می‌نالید و مرتب به سرفه می‌افتاد.

دکتر پرسید: سرفه چطور. احساس خفگی نمی‌کرد؟

– زن جواب داد: چرا آقای دکتر، دیگر به غذا میلی نداشت و اشتهایش را از دست داده بود.

– در عضلانی نداشت؟ گلو درد چطور؟

همین طوره آقای دکتر. انگار در محل گازگرفتنی احساس درد و سوزش شدیدی می‌کرد و به‌رحمت آب دهانش را قورت می‌داد.

از میان لب‌های دکتر زمزمه نگران آوری به‌گوش زن خورد. با نگاه بیمناکی پرسید:

– چی گفتید آقای دکتر؟ بیماری هاری؟ سگ‌ها هار بودند...؟ دکتر صادقی پشیمان از آنچه‌بی اختیار به زبان آورده بود آه کشید. – گفتم نکنه بیماری هاری باشه. البته به‌دقت باید معاینه‌اش کنم. رسیده بودند به در خانه‌ای در ته یک کوچه بن بست. حالا وضعیت چطوره خانم؟ رفتارش؟ – خیلی نگران کننده آقای دکتر. بلکه وحشت آورا به‌حال جنون که می‌رسه من را هم نده بوشه.

هی با حرکات ترس آوری چنگ به زمین می‌زنه و مثل افراد جنون زده رفتار توهم و جنون می‌شه، کف از دهانش بیرون می‌زنه و زبانش بند می‌آد. گنگ و منگ... هر چیزی را می‌خواد گاز بگیره... و می‌خواد به همه حمله کنه... و دکتر صادقی بیمناک از بیماری هاری و سرایت آن به جانوران پستانداری چون گاو و گوسفند، سگ و گربه در آبادی را خود فکر کرد، سرایت این بیماری به انسان‌ها و وحشتناک خواهد بود. خدا کند بیماری هاری نباشد.

– در همین اتاق نگهش داشته‌ایم آقای دکتر. اول خدا بعد امیدواریم شما این بیمچار را نجات بدهید. اما اجازه به‌دید من وارد اتاق نشوم. از دیدنش جگرم کباب می‌شه.

دکتر صادقی وارد اتاق شد. برای چند لحظه پای در ایستاد و به دقت نگاهی به جوان کرد یک طناب به گردنش بسته شده و سر دیگرش را به دستگیره پنجره گره زده بودند. درازای طناب چند وجب بود طوری که به جوان اجازه نمی‌داد پیش از یک قدم پیش بیاد. زخم‌هایی از گاز گرفتن یک سگ روی ساق پاهایش پیدا بود. شبیارهای خونیجی جای فرورفتگی دندان‌های حیوان را نشان می‌داد و دکتر می‌دانست ویروس مرگبار هاری که در بزاق حیوان پنهان شده معمولا از راه گاز گرفتنی به انسان منتقل می‌شود و سپس ویروس هاری با ورود به زخم‌ها و عبور از بافت‌ها، از طریق اعصاب محیطی به سمت سیستم عصبی مرکزی انتقال پیدا می‌کند و پس از تکثیر از راه سیستم عصبی مرکزی وارد بزاق می‌شود، بنابراین حاملان ویروس می‌توانند با گاز گرفتن یا از راه بزاق، بیماری هاری را به افراد انتقال بدهند که در صورت ظاهر شدن عوارض این ویروس، مرگ بیمار حتمی خواهد بود.

بیماران مبتلا به هاری تا رسیدن مرگ، مراحل دردناکی را باید بگذرانند. مرحله اول با سرفه‌هایی پیایی و خشکی گلو، تب و درد شدید سر عضلانی آغاز می‌شود. سپس بیمار به سرفه‌های پیایی، خشکی گلو، افزایش تحریک پذیری، علائم تشنجی، تب، کاهش اشتها، احساس تهوع و گلو درد دچار می‌شود و بالاخره به صدا و نور حساسیت شدیدی پیدا می‌کند. در این مرحله فرد در خود فرو می‌رود و واکنش تنمی از خود نشان نمی‌دهد.

اما در مرحله نهایی، همچون کسانی که گرفتار جنون شده‌اند، در اضطراب و وحشت به سر می‌برند و دست به رفتار خشونت آمیز می‌زنند. انگار از دهان‌شان کف بیرون می‌زند، عضلات صورت‌شان فلج می‌شود و سرانجام با مشکلات تنفسی به آستانه مرگ می‌رسند. در حالی که با میل به حمله و گاز گرفتن هرچه که به چنگ‌شان می‌افتد، جان می‌دهند.

جنون هاری در آبادی اینگونه آغاز شد...

پرونده قتل دختر دانشجو دوباره رسیدگی می شود

گروه حوادث/ پسر جوانی که حدود ۷ سال قبل دختر دانشجویی را به قتل رسانده بود هفته آینده در شعبه پنجم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه خواهد شد. به‌گزارش خبرنگار «ایران»، آلمان که در اسفند سال ۹۲ به اتهام قتل دختری به نام غزاله دستگیر و پس از اعتراف به قتل از سوی دادگاه به قصاص محکوم شد با نقض حکم از سوی دیوان عالی کشور بار دیگر و پس از گذشت حدود ۷ سال روز یکشنبه ۱۸ خرداد در شعبه پنجم دادگاه کیفری محاکمه خواهد شد. این در حالی است که چند ماه قبل آلمان برای اجرای حکم اعدام به پای چوبه دار برده شد اما به مهلتی که پدر و مادر غزاله به وی دادند بار دیگر به زندگی برگشت. پدر و مادر مقتول که هنوز جسد دخترشان پیدا نشده است به آلمان مهلت دادند تا بگوید جسد غزاله را چه کرده است اما وی با وجود آنکه در روزهای نخست دستگیری اش به قتل غزاله در خانه شان اعتراف کرده و گفته بود جسد را داخل سطل زباله انداخته است حالا مدعی است که مرتکب قتل نشده است.

مرگ راننده تانکر حمل سوخت در آتش

گروه حوادث/ واژگونی یک دستگاه تانکر با ۲۰ هزار لیتر مواد سوختی روی پل جاجرو در جان راننده را گرفت. این حادثه حدود ساعت ۶ صبح شنبه در جاده دماوند رخ داد و یک دستگاه تانکر هنگام عبور از روی پل جاده قدیم ناگهان واژگون شد بعد از این واژگونی تانکر آتش گرفت و راننده که داخل کابین خودرو محبوس شده بود، در اثر سوختگی زیاد جان خود را از دست داد. سبب پیشش متجبی- رئیس پلیس راه شرق استان تهران - خستگی و خواب آلودگی و ناتوانی در کنترل تانکر را علت اولیه واژگونی و جریق تانکر حامل سوخت در جاجرو دانست و گفت: خروج حجم بالای مواد سوختی از تانکر باعث شد فضای اطراف خودرو هم شعله ور شده و منطقه دچار آگسپ شود. وی گفت: علت‌ها دقیق این حادثه نیز پس از انجام اقدام‌های کارشناسی اعلام می‌شود.

▪ یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۹
▪ سال بیست و ششم
▪ شماره ۷۳۵۹

ماجرای فروش خانه‌مصدق با اسناد جعلی

گروه حوادث/ مرد کلاهبردار که با جعل سند خانه‌های گران قیمت خالی را در تهران و شهرستان‌ها تصاحب می‌کرد هنگام تخریب خانه سابق مصدق در نیاوران با شکایت مالک خانه دستگیر و صبح دیروز در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته و با شکایت صاحب یک ویلا ۲ هزار متری در نزدیکی فرهنگسرای نیاوران آغاز شد.

صاحب ملک در تشریح ماجرا

گفت: من تاجر خویابر هستم و در ژاپن زندگی می‌کنم چند سال قبل این ویلا را که متعلق به مصدق بود از ورثه وی خریدم و وقتی به ایران می‌آمدم در آنجا ساکن می‌شدم. در ایامی هم که ژاپن بودم یک سرایدار افغانستانی داشتم که مراقب خانه‌ام بود. چندی قبل این سرایدار به من تلفن کرد و گفت عده‌ای در حال تخریب خانه هستند.

سرایدارم گفت که چند نفر ناگهان وارد خانه شده‌اند و به بهانه اینکه وی معتاد است اورا به کمپ ترک اعتیاد برده‌اند و تا ثابت کند که معتاد نیست

گروه حوادث / مرد جوان که زن ماساژوری را پس از قتل در داخل کانال آب رها کرده بود صبح روز گذشته در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ آغاز شد زمانی که مردی با مرکز فوریت‌های پلیسی تماس گرفت و اعلام کرد که جسد زن جوانی در داخل یک کانال آب در حومه تهران افتاده است.

مأموران پس از آن به محل رفتند و پس از جست‌وجو جسد زن را پیدا کردند اما از تماس گیرنده خبری نبود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد که مقتول بر اثر ضربات متعدد به ناحیه جمجمه فوت کرده و دست و پاهایش نیز بر اثر ضربه‌های سخت شکسته بود. در ادامه تحقیقات مشخص شد که زری -مقتول پرونده- ۳۷ ساله بوده و ردیابی و بررسی آخرین تماس‌های تلفنی او نشان داد با فردی به نام صابر ملاقات داشته است.

در ادامه صابر شناسایی و بازداشت شد و در همان ابتدا به قتل اعتراف

کرد. این متهم صبح روز گذشته در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

در ابتدای جلسه محاکمه صابر، برادر مقتول که به نمایندگی از سایر اولیای دم در دادگاه حضور داشت از قضاات برای متهم پرونده درخواست قصاص کرد.

پس از آن متهم در جایگاه قرار گرفت و در تشریح ماجرای قتل گفت: من کارمند یکی از شرکت‌های مخابراتی بودم و در کنار آن قناری‌های خاص پرورش می‌دادم و در شبکه‌های مجازی آنها را می‌فروختم. روزی در حال فعالیت در یکی از شبکه‌های مجازی بودم که با تبلیغ ماساژ توسط یک خانم مواجه شدم و او سر کنجکاوی با شماره آن تماس گرفتم و پس از توافق اولیه با او قرار گذاشتم.

پس از آنکه زری به‌عنوان ماساژور به سر قرار آمد آنقدر وضعیت ظاهری و پوشش نامناسبی داشت که ترسیدم کسی ما را ببیند به‌همین خاطر او را سوار خودروام کردم تا او را از آنجا دور کنم.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

پس از این اظهارات قضاات برای صدور حکم وارد شور شدند.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

و مشخص شد که در زمان صدور وکالتنامه وی اصلا در ایران نبوده و مأموران متوجه شدند که نیما با جعل سند و وکالتنامه اقدام به کلاهبرداری کرده است. پس از آن سابقه نیما رصد و مشخص شد که او چند سال قبل نیز ملکی ۶هزار متری را در شمال کشور و ملکی یک هزار متری را در لواسانات به همین شیوه به فروش رسانده و سوابق متهم نشان داد که او با اهدافی سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده به‌دنبال املاک ارزشمندی است که صاحبان آن علاوه بر متمول بودن در ایران زندگی نمی‌کردند. در بررسی‌های بیشتر معلوم شد که نیما چندی قبل نیز با جعل شناسنامه فردی دیگر دسته چک از بانک گرفته و بیش از ۲۰۰ میلیون تومان هم چک بی‌محل کشیده است.

پرونده سنگین نیما صبح دیروز در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران با چند شاکی مورد بررسی قرار گرفت و در خصوص جرایم ارتكابی احتمالی بیشتر وی نیز تحقیقات در حال تکمیل است.

مالک اصلی پرداختم. با این اظهارات

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند

مأموران به سراغ خواهر مالک رفتند